

بررسی تفاوت‌های جنسی و طبقه اجتماعی در منبع مهارگذاری گروهی از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر شیراز

نویسندگان: دکتر محمدعلی گودرزی* و سامعه محرری**

* استادیار دانشگاه شیراز

** کارشناس روان‌شناسی بالینی

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی تفاوت‌های جنسی و تأثیر عامل شغل پدر، و تحصیلات والدین بر منبع مهارگذاری دانش‌آموزان دوره راهنمایی بود. به این منظور ۱۴۳ نفر (۷۷ پسر و ۶۶ دختر) از دانش‌آموزان پایه دوم و سوم راهنمایی شهر شیراز به شیوه تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردیدند. برای سنجش منبع مهارگذاری از مقیاس ناویکی و استریکلند که دارای سه خرده مقیاس است استفاده شد: (۱) قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی، (۲) مقاومت در درگیری با والدین، در رسیدن به هدف و در برابر افراد قدرتمند، (۳) شانس و سرنوشت در مقابل کوشش. نتایج نشان داد که در نمره کلی و عامل دوم و سوم مقیاس یاد شده بین دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد، اما دختران در عامل قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی از پسران برتر بودند ($P < 0/01$). افراد طبقه اجتماعی بالا - براساس ملاک تحصیلات والدین - نسبت به طبقه پایین از منبع مهارگذاری درونی‌تری برخوردار بودند و در موارد زیر نسبت به طبقه پایین برتری داشتند: (۱) قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی، (۲) مقاومت در درگیری با والدین، در رسیدن به هدف و در برابر افراد قدرتمند. همچنین افراد طبقه اجتماعی بالا - براساس ملاک شغل - نسبت به طبقه پایین تنها در عامل دوم مقیاس ناویکی و استریکلند برتری نشان دادند.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، طبقه اجتماعی، منبع مهارگذاری، دانش‌آموز

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال یازدهم - دوره جدید

شماره ۷

آبان ۱۳۸۳

۱- مقدمه

منبع مهارگذاری یا منبع کنترل (Locus of Control) از سازه‌های مهم روان‌شناختی است که ارتباط آن با سایر متغیرهای روان‌شناختی در تحقیقات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. این اصطلاح، نخستین بار به وسیله راتر (Rotter) مطرح شد. منبع مهارگذاری، به

منبعی که بر رفتار فرد کنترل دارد اطلاق می‌گردد و در امتداد طیفی از «خیلی درونی» تا «خیلی بیرونی» گسترده است. افراد دارای منبع درونی کنترل، مسئولیت اعمال و رفتار خود و پی‌آمدهای ناشی از آن را قبول می‌کنند و خودشان را بر سرنوشت خویش مسلط می‌دانند. برعکس، افراد دارای منبع کنترل بیرونی، بین رفتار خود و رویدادها هیچ‌گونه رابطه علت و معلولی نمی‌بینند و

عوامل دیگر را مسئول نتایج رفتار خود می‌پندارند و در نتیجه، مسئولیت اعمال و رفتار خود را نمی‌پذیرند [۱۹ و ۲۰].

در مورد تفاوت زنان و مردان در زمینه منبع کنترل، تحقیقات متعددی در جهان و ایران انجام شده است، اما نتایج این تحقیقات با یکدیگر همگرایی ندارد. گروهی از تحقیقات، میزان کنترل درونی زنان یا دختران را بیش‌تر از مردان یا پسران گزارش داده‌اند [۳، ۴، ۵، ۶ و ۷]، ولی گروه دیگر، کنترل درونی مردان را بیش‌تر از زنان نشان می‌دهند [۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵]. گروه دیگری نیز تفاوتی از لحاظ کانون کنترل بین زن و مرد گزارش نداده‌اند [۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱]. با وجود این، بعضی از تحقیقات نشان داده‌اند که منبع مهارگذاری یک مفهوم واحد نیست و می‌تواند به عامل‌ها یا مؤلفه‌های متفاوت تقسیم شود. بعضی تحقیقات نشان داده‌اند که با در نظر گرفتن چنین عامل‌هایی ممکن است بهتر بتوان زنان و مردان را به صورت پای‌تر از یکدیگر تفکیک کرد. مثلاً منجر و ایکلند [۳] نشان دادند که پسران در خرده مقیاس اعتقاد کلی به شانس و دختران در خرده مقیاس کوشش تحصیلی، کنترل درونی بیش‌تری دارند. نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در مورد تأثیر طبقه اجتماعی نیز با یکدیگر همگرایی نداشته‌اند. از یک طرف، نتایج تعدادی از تحقیقات نشان داده که افراد متعلق به طبقه بالای اجتماعی - اقتصادی نسبت به افراد متعلق به طبقه پایین اقتصادی - اجتماعی منبع کنترل درونی تری دارند [۱۲، ۲۰، ۲۲ و ۲۳]. از طرف دیگر، تعدادی دیگر از تحقیقات تفاوتی از لحاظ منبع کنترل بین طبقات اجتماعی فوق گزارش نداده‌اند [۲۴ و ۲۵]. در زمینه تأثیر طبقه اجتماعی بر عامل‌ها یا مؤلفه‌های کانون کنترل درونی تحقیقی انجام نشده و ممکن است تأثیر طبقه اجتماعی بر این مؤلفه‌ها یا عوامل متفاوت باشد.

تحقیقاتی که در ایران در مورد تأثیر جنس و طبقه اجتماعی بر منبع مهارگذاری انجام شده، بیش‌تر در مورد آزمودنی‌های بزرگسال و با استفاده از نمره کلی

منبع کنترل بوده است. تنها قاسمی فلاورجانی [۱۹] با استفاده از مقیاس کنترل درونی ناویکی و استریکلند تأثیر جنس و طبقه اجتماعی را بر منبع مهارگذاری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و راهنمایی شهر شیراز مورد بررسی قرار داده است. او [۱۹] گزارش داده که به‌طور کلی، منبع مهارگذاری دانش‌آموزان پسر و دختر با یکدیگر تفاوتی ندارد و منبع کنترل درونی فرزندان والدینی که دارای تحصیلات بالاتر از فوق دیپلم هستند نسبت به منبع کنترل فرزندان که والدینشان تحصیلات پایین‌تر از متوسطه دارند بیش‌تر است. با وجود این، در تحقیق قاسمی فلاورجانی [۱۹] تنها نمره کلی مقیاس ناویکی و استریکلند - و نه عامل‌های آن - در دو جنس و در طبقات مختلف اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این که به دلیل تناقض آشکار نتایج قاسمی فلاورجانی [۱۹] با یافته‌های برخی از تحقیقات دیگر در ایران [۱۴، ۱۵ و ۱۸] نیاز است تحقیق ایشان تکرار گردد، امکان دارد پسران و دختران و افراد متعلق به طبقه بالا و پایین، نه در نمره کلی بلکه در خرده مقیاس‌های مقیاس ناویکی و استریکلند با هم تفاوت داشته باشند. بنابراین، هدف تحقیق حاضر، تکرار یافته‌های قاسمی فلاورجانی [۱۹] در گروهی دیگر از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر شیراز و مقایسه کنترل درونی دختران و پسران و طبقات بالا و پایین با توجه به خرده مقیاس‌های مقیاس ناویکی و استریکلند بود. براساس نتایج اکثر تحقیقات گذشته، فرضیات زیر مطرح گردید:

۱. دختران نسبت به پسران از منبع کنترل بیرونی‌تری برخوردارند.
۲. افراد متعلق به طبقه پایین اقتصادی - اجتماعی نسبت به افراد متعلق به طبقه بالای اقتصادی - اجتماعی از منبع کنترل بیرونی‌تری برخوردارند.

جدول ۱: خصوصیات جمعیت شناختی گروه نمونه

جنس	سن		تحصیلات پدر		تحصیلات مادر	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دختر (N=۶۶)	۱۳/۷	۰/۷۵	۹/۳	۳/۹	۷/۹	۳/۴
پسر (N=۷۷)	۱۴/۱۴	۱/۳	۷/۸	۴/۱	۶/۷	۳/۶
کل (N=۱۴۳)	۱۳/۹۴	۱/۱	۸/۵	۴/۱	۷/۳۰	۳/۵۰

۲- روش

۲-۱- آزمودنی‌ها

ابتدا با توجه به یافته‌های قاسمی فلاورجانی [۱۹] و با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری تحلیل توان آماری SOLO (SOLO Statistical System Power Analysis) [۲۶] حجم نمونه مورد نیاز برای پیدا کردن عدم تفاوت بین دختران و پسران محاسبه گردید. حجم نمونه برآورد شده برابر ۶۰ نفر در هر گروه و جمعاً ۱۲۰ نفر بود. به همین دلیل تصمیم گرفته شد که از بین کلاس‌های راهنمایی منطقه ۳ شیراز، دو کلاس دخترانه و دو کلاس پسرانه انتخاب شود. بنابراین، آزمودنی‌های این تحقیق ۱۴۳ نفر (۷۷ پسر و ۶۶ دختر) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از بین دانش‌آموزان مدارس ناحیه ۳ شیراز انتخاب شدند. خصوصیات جمعیت‌شناختی گروه نمونه در جدول ۱ درج شده است.

۲-۲- ابزارهای تحقیق

برای سنجش منبع کنترل از مقیاس ناویکی و استریکلند [۲۷] استفاده شد. ناویکی و استریکلند روش‌های متعددی را برای تعیین پایایی و روایی این مقیاس به کار گرفته‌اند. پایایی بازآزمایی با فاصله شش هفته روی گروه‌های مختلف سنی بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۱ گزارش شده است [۲۷]. همچنین روایی سازه و همزمان این مقیاس توسط ناویکی و استریکلند مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است [۲۷]. روایی این مقیاس در ایران توسط قاسمی فلاورجانی [۱۹] و خیر [۲۴] در شهر شیراز بررسی و تأیید شده است. قاسمی فلاورجانی [۱۹] با استفاده از روش بازآزمایی به فاصله شش هفته، ضریب پایایی ۰/۶۳ را برای دانش‌آموزان کلاس سوم

دبستان، ضریب پایایی ۰/۶۶ را برای دانش‌آموزان کلاس هفتم، و ضریب پایایی ۰/۷۱ را برای دانش‌آموزان کلاس دهم گزارش داده است. خیر [۲۴] فقط ۲۵ سؤال از مقیاس ۳۱ سؤالی اصلی را واجد روایی در ایران گزارش داده و با استفاده از روش تحلیل عوامل، سه عامل زیر را از مقیاس کانون کنترل ناویکی و استریکلند استخراج کرده است:

۱) قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی (سؤالات ۱، ۶، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲) مقاومت در درگیری با والدین، در رسیدن به هدف و در برابر افراد قدرتمند (سؤالات ۲، ۳، ۴، ۷، ۹، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۹)، ۳) اعتقاد به شانس و سرنوشت در مقابل اعتقاد به کوشش (سؤالات ۱، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۰ و ۲۵). مفهوم عامل «قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی»، توانایی ایستادگی فرد در مقابل ناامیدی و درماندگی است. فردی که این توانایی در او بیش‌تر باشد کنترل درونی‌تری دارد. نمونه سؤالات این عامل به شرح زیر است:

آیا احساس می‌کنید وقتی اشتباهی از شما سر می‌زند، برای تغییر آن کاری از شما ساخته نیست؟ آیا احساس می‌کنید وقتی یک بچه هم سن و سال شما تصمیم می‌گیرد شما را بزند کار زیادی از شما برای جلوگیری از او ساخته نیست؟ آیا احساس می‌کنید در انتخاب غذا در خانه هیچ نقشی ندارید؟ مفهوم عامل «مقاومت در درگیری با والدین، در رسیدن به هدف و در برابر افراد قدرتمند» این است که فرد مسیر زندگی‌اش را خودش انتخاب کند و بتواند از ایده‌هایش در مقابل دیگران دفاع کند. نمونه سؤالات این عامل به شرح زیر است:

آیا غالباً به خاطر کارهایی که تقصیر شما نیست سرزنش می‌شوید؟ آیا احساس می‌کنید تقریباً غیرممکن است نظر والدیتان را در مورد چیزی تغییر دهید؟ مفهوم عامل سوم یعنی «شانس و سرنوشت در مقابل کوشش» این است که شخص موفقیت یا شکست خود را به شانس و سرنوشت خود نسبت دهد. بالطبع چنین فردی دارای کنترل بیرونی‌تری است. نمونه سؤالات این عامل به شرح زیر است:

آیا احساس می‌کنید وقتی چیز خوبی اتفاق می‌افتد به دلیل سخت کوشی و پشتکار شما است؟ آیا فکر می‌کنید بهتر است آدم زرنگ باشد تا این که خوش شانس باشد؟ آیا فکر می‌کنید تشویق بیش‌تر از اقبال به برنده شدن یک تیم کمک می‌کند؟

۲-۳. روش اجرا

پس از انتخاب چهار مدرسه راهنمایی، محقق با هماهنگی مدیر مدرسه مجوز حضور در کلاس و اجرای پرسشنامه را از مدیر و معلم مدرسه کسب کرد. سپس با حضور در کلاس در مورد هدف تحقیق برای دانش‌آموزان مطالبی ذکر گردید و به آن‌ها گفته شد چون هدف، بررسی ویژگی‌های فرد فرد دانش‌آموزان نیست، لزومی ندارد اسامی خود را بنویسند.

۳- نتایج

به‌منظور آزمودن فرضیه اول تحقیق که بیان می‌داشت دختران نسبت به پسران از کنترل بیرونی‌تری برخوردارند، میانگین نمرات دختران و پسران در کل آزمون ناویکی و استریکلند و در سه عامل آن با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری مورد مقایسه قرار گرفت (جدول ۲). تحلیل واریانس چند متغیری به این دلیل مورد استفاده قرار گرفت که نمره کلی و عامل‌های آزمون ناویکی و استریکلند با یکدیگر به‌صورت همزمان در دو گروه دختر و پسر مورد مقایسه قرار گیرند و از تحلیل‌های مکرر اجتناب شود.

نمرات آزمودنی‌های پسر و دختر در کل آزمون و عامل دوم و سوم آزمون ناویکی و استریکلند با یکدیگر

تفاوت معناداری نداشتند، ولی نمرات آن‌ها در عامل اول (قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی) با یکدیگر از لحاظ آماری متفاوت بود. این بدان معنا است که دختران نسبت به پسران از قدرت بیش‌تری در مقابل ناامیدی و درماندگی برخوردارند و پسران نسبت به دختران، قدرت ضعیف‌تری در مقابل ناامیدی و درماندگی در خود احساس می‌کنند.

به‌منظور آزمودن فرضیه دوم تحقیق که بیان می‌داشت افراد متعلق به طبقه پایین اقتصادی اجتماعی - با توجه به شغل پدر و تحصیلات والدین - نسبت به طبقه بالا از کانون کنترل بیرونی‌تری برخوردارند، میانگین نمرات دو گروه در کل آزمون ناویکی و استریکلند و در سه مؤلفه آن با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری مورد مقایسه قرار گرفت (جدول ۲).

به‌منظور مشخص کردن طبقه اجتماعی، دو معیار به صورت مستقل مورد استفاده قرار گرفت. در معیار اول که طبقه اجتماعی براساس شغل پدر آزمودنی‌ها مشخص گردید، از نتایج خیر [۲۸] برای رتبه‌بندی مشاغل با توجه به منزلت اجتماعی استفاده شد. در معیار دوم که طبقه اجتماعی براساس تحصیلات والدین تعیین گردید، ابتدا میانگین تحصیلات والدین براساس تعداد سال‌های تحصیلی محاسبه گردید و سپس والدینی که دارای تحصیلات بالاتر از میانگین بودند در طبقه اجتماعی بالا و افرادی که دارای تحصیلات پایین‌تر از میانگین بودند در طبقه اجتماعی پایین قرار داده شدند.

نتایج این تحلیل‌ها در جدول ۳ درج شده است (جدول ۳). نمرات کلی مقیاس کنترل درونی و عامل‌های آن با توجه به طبقه اجتماعی براساس شغل والدین از طریق تحلیل واریانس چند متغیری مورد مقایسه قرار گرفت. در این تحلیل، نمره کلی و عامل‌های اول و سوم مقیاس کنترل درونی در طبقات اجتماعی بالا و پایین با یکدیگر تفاوت معنادار آماری نداشتند. با وجود این، فرزندان والدین دارای مشاغل بالا نسبت به فرزندان والدین دارای مشاغل پایین، تنها در عامل دوم مقیاس کنترل درونی با یکدیگر تفاوت معنادار آماری داشتند.

جدول ۲- تفاوت‌های دختران (N=۶۶) و پسران (N=۷۷) از لحاظ کانون کنترل و عامل‌های آن

مؤلفه‌ها	جنسیت	M	SD	Df	F	P<
کانون کنترل کلی	دختر	۹/۳۹	۳/۵۱	۱۴۱	۳/۵۵	n.s
	پسر	۱۰/۳۵	۳/۳			
عامل ۱	دختر	۳/۱	۱/۹	۱۴۱	۷/۱۱	۰/۰۰۹
	پسر	۳/۸۷	۱/۵۷			
عامل ۲	دختر	۳/۹۵	۱/۷	۱۴۱	۰/۷۸	n.s
	پسر	۴/۲۱	۱/۷			
عامل ۳	دختر	۲/۳۳	۱/۴۵	۱۴۱	۰/۰۳	n.s
	پسر	۲/۳۵	۱/۵			

جدول ۳- تفاوت طبقات اجتماعی بالا و پایین - با توجه به شغل و تحصیلات والدین - از لحاظ کانون کنترل و عامل‌های آن

معیار طبقه اجتماعی	عوامل	طبقات	M	SD	F	P
شغل پدر	کانون کلی کنترل	بالا	۹/۷۱	۳/۸۲	۰/۶۳	۰/۴۳
		پایین	۱۰/۱۸	۳/۱۰		
	عامل ۱	بالا	۳/۵۸	۱/۸۱	۰/۱۲۰	۰/۷۳
		پایین	۳/۴۶	۱/۷۴		
	عامل ۲	بالا	۳/۵۹	۱/۸۲	۱۰/۳۹	/۰۰۲
		پایین	۴/۵۰	۱/۵۲		
	عامل ۳	بالا	۲/۵۵	۱/۴۷	۱/۹۱	۰/۱۶۹
		پایین	۲/۱۷	۱/۴۷		
تحصیلات والدین	کانون کلی کنترل	بالا	۹/۱۲	۳/۱	۷/۷۸	۰/۰۳۶
		پایین	۱۰/۷۸	۳/۵۸		
	عامل ۱	بالا	۳/۸۴	۱/۸۶	۴/۹	۰/۰۲۸
		پایین	۳/۱۸	۱/۶۱		
	عامل ۲	بالا	۴/۵۹	۱/۳۹	۱۲/۰۸	۰/۰۰۱
		پایین	۳/۵۶	۱/۶۷		
	عامل ۳	بالا	۲/۳۸	۱/۶۳	۰/۰۴	۰/۸۴
		پایین	۲/۳۳	۱/۲۹		

آزمون و در مؤلفه‌های اول و دوم معنادار شد که تفسیر آن به شرح زیر است:

فرزندان افراد طبقه بالا نسبت به فرزندان افراد طبقه پایین از کانون کنترل درونی‌تری برخوردارند. افراد طبقه بالا که والدین آن‌ها دارای تحصیلات بالاتر بودند در مقابل ناامیدی و درماندگی احساس قدرت بیش‌تری می‌کنند، اما افراد طبقه پایین که والدین آن‌ها تحصیلات پایین‌تر داشتند در مقابل ناامیدی و درماندگی احساس

این بدان معنا است که فرزندان افراد متعلق به طبقه اجتماعی بالا نسبت به فرزندان افراد متعلق به طبقه پایین از لحاظ عامل مقاومت در درگیری با والدین، در رسیدن به هدف و در برابر افراد قدرتمند در سطح بالاتری هستند.

در تحلیل دوم که براساس تحصیلات والدین انجام گرفت، تفاوت طبقات اجتماعی - با توجه به تحصیلات والدین - در مؤلفه سوم معنادار نشد، ولی در کل

قدرت کم‌تری می‌کنند. همچنین افراد طبقه بالا از لحاظ عامل مقاومت در درگیری با والدین، در رسیدن به هدف و در برابر افراد قدرتمند نسبت به افراد طبقه پایین برتری داشتند. یافته اخیر با نتایج گزارش شده در تحلیل قبلی هماهنگی دارد.

۴- بحث

نتایج این تحقیق، فرضیه اول را که بیان می‌داشت دختران نسبت به پسران از کانون کنترل بیرونی‌تری برخوردارند در نمره کلی و عامل دوم و سوم مورد تأیید قرار نداد، ولی این فرضیه در عامل قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی مورد تأیید قرار گرفت. این بدان معنا است که دختران از لحاظ قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی نسبت به پسران برتری دارند. نتایج فوق از این نظر که دختران و پسران در نمره کلی ناویکی و استریکلند با یکدیگر تفاوت نشان نداده‌اند با نتایج قاسمی فلاورجانی [۱۹]، دارابی [۱۸]، حیدری پهلوان، محبوب و ضرابیان [۲۰]، عباسی آزاد گله [۱۵]، پاگیو و همکاران [۱۶] و باس و تایلر [۱۷] هماهنگ است و تکرار پذیری نتایج آن‌ها را در نمره کلی مقیاس کنترل درونی نشان می‌دهد. با وجود این، برتری دختران نسبت به پسران در عامل قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی، به نوعی نشان‌دهنده کنترل درونی بیشتر در دختران، حداقل در یکی از عامل‌های مقیاس کنترل درونی است. این نتیجه با یافته‌های منجر و ایکلند [۳]، ریچارد و پترسون [۴]، چپو [۵] و مک لالین و ساکوزو [۷۶] هماهنگی دارد، ولی با یافته‌های ویر [۷] جانستون و شرم [۸]، دهرتی [۹]، جنسن و دیگران [۱۰]، لی و دنگرنیک [۱۱]، فراشر و دیگران [۱۲]، منظری توکلی [۱۳] و حسین چاری [۱۴] همسو نیست. برای تفسیر تفاوت در نتایج تحقیقات فوق آن طور که بعضی محققین اشاره کرده‌اند [۱۹] نمی‌توان گفت که تفاوت وقتی پیدا می‌شود که آزمودنی‌ها در سنین بزرگسالی باشند، زیرا آزمودنی‌های دارابی، حیدری پهلوان، محبوب و ضرابیان، و عباسی آزادگله

همه در سنین دبیرستانی یا بزرگسالی بوده‌اند. در تحقیق حاضر، دختران نسبت به پسران فقط در عامل قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی نمره بیش‌تری کسب کردند و به این ترتیب، کنترل درونی بیش‌تری را نشان دادند. نتایج تحقیقات گذشته نشان داده که دختران نسبت به پسران در سنین کم‌تری به بلوغ و پختگی می‌رسند و پسران دو تا سه سال در رسیدن به بلوغ تأخیر دارند [۲۹]. بنابراین، چون دختران در سنین دوم و سوم راهنمایی تقریباً دوره بلوغ را گذرانده و پختگی عاطفی بیش‌تری کسب کرده‌اند بعید به نظر نمی‌رسد که از نظر قدرت در مقابل ناامیدی و درماندگی نمره بیش‌تری کسب کنند. از سوی دیگر، امکان دارد عوامل فرهنگی و خانوادگی که دختران را در دوره نوجوانی دعوت به صبر و بردباری بیش‌تری می‌کنند در تفاوت به دست آمده دخیل باشد.

فرضیه دوم این تحقیق که بیان می‌داشت افراد متعلق به طبقه پایین اقتصادی-اجتماعی نسبت به افراد متعلق به طبقه بالای اقتصادی-اجتماعی از کانون کنترل بیرونی‌تری برخوردارند با توجه به معیار تحصیلات والدین مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه نشان می‌دهد که تحصیلات والدین می‌تواند در پرورش کنترل درونی کودکان مؤثر باشد. احتمالاً والدین تحصیلکرده قادرند مسائلی را به کودک انتقال دهند که به افزایش کنترل درونی آنان کمک می‌کند. معمولاً والدین تحصیلکرده به فرزندان خود استقلال بیش‌تری می‌دهند. نتایج برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که عدم وابستگی فرزند به والدین و حمایت‌های اجتماعی والدین، عامل مهمی در شکل‌گیری کانون کنترل درونی است [۱۹]. امکان دارد والدین تحصیلکرده در شیوه تربیتی خود قادر باشند از عوامل فوق بهتر بهره بگیرند. با وجود این، فرزندان والدین دارای تحصیلات بالا و پایین فقط در عامل شانس و سرنوشت در مقابل کوشش با یکدیگر تفاوتی نداشتند. به نظر می‌رسد که فرزندان والدین دارای تحصیلات پایین نیز کوشش و

منابع

1. Rotter, J. B. (1966) Generalized expectancies for internal versus external control of reinforcement. *Psychological Monographs*, 80: 609.
۲. سیف، علی اکبر (۱۳۷۶) روان شناسی پرورشی، تهران، مرکز نشر آگاه.
3. Manger, T. Eikeland, O.J. (2000) On the relationship between locus of control, level of ability and gender. *Scandinavian Journal of Psychology*, 41, 3, 225-9.
4. Richard, D.E. Peterson, S.J. (1998) Perception of environmental risk related to gender, community socioeconomic setting, age, and locus of control. *Journal of Environmental Education*, 30, 1, 11-19.
5. Chiu, L.I. (1986) Locus of control in intellectual situations in American Chinese school children. *International Journal of Psychology*, 21, 167-176.
6. McLaughlin, S.C. Succuzzo, D.P. (1977) Ethnic and gender differences in locus of control in children referred for gifted programs: the effects of vulnerability factors. *Journal For The Education of The Gifted*, 20, 268-283.
7. Wehmeyer, M.L. (1993) Gender differences in locus of control scores for students with learning disabilities. *Perception and Motor Skills*, 77, 2, 359-66.
8. Johnston, D.A. Sherman, M.F. (1993) Gender and locus of control as predictors of accidental death anxiety. Paper presented at the Annual Meeting of the American Psychological Association, 101st, Toronto, Ontario, Canada, August 20-24.
9. Doherty, W.J. (1983) Impact of divorce on locus of control orientation in adult women, a longitudinal study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44, 4, 834-840.
10. Jensen, Larry, Olsen, Joe, Hughes, Chris. (1990) Association of country, sex, social class, and life cycle to locus of control in western European countries. *Psychological Reports*, 67, 199-205.
11. Lee, V.K. Dengernik, H.A. (1992) Locus of control in relation to sex and nationality: a cross-cultural study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 23, 488-497.
12. Frusher, S.S. & Others (1984) The relationship between gender and psychological well-being, locus of control and job satisfaction during early and middle adulthood. Abstract Obtained from Eric Database.
۱۳. منطوری توکلی، علیرضا (۱۳۷۵) بررسی رابطه انگیزه پیشرفت، هسته کنترل و پیشرفت تحصیلی در بین دانش آموزان مقطع متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۱۴. حسین چاری، مسعود (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه هسته کنترل در دانش آموزان دبیرستانی شاهد و غیرشاهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۱۵. عباسی آزادگله، مرتضی (۱۳۷۳) بررسی رابطه هسته کنترل با رضایت شغلی در نمونه ای از معلمان شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
16. Paguio, L.P. (1987) Relationship between fathers and mothers socialization practices and children's locus of control in Brazil. *The Philippines and the United States, Journal of Genetic Psychology*, 143, 3, 303-313.

تلاش را عامل مؤثری در رسیدن به اهداف خود می دانند و این ویژگی توسط والدین آن ها تشویق می شود. با در نظر گرفتن نمره کلی آزمودنی ها در مقیاس کانون کنترل، تفاوتی بین فرزندان دارای والدین دارای مشاغل بالا و پایین وجود نداشت. این بدان معنا است که شغل پدر در کنترل درونی کودکان تفاوتی ایجاد نکرده است. این یافته با نتایج قاسمی فلاورجانی [۱۹] هماهنگ است. با وجود این، هنگامی که عامل های کانون کنترل مورد نظر قرار گرفت، مشخص گردید که فرزندان والدین دارای مشاغل بالا در عامل مقاومت در درگیری با والدین، در رسیدن به هدف و در برابر افراد قدرتمند در سطح بالاتری قرار دارند. مشاغل بالا در این تحقیق مشاغلی مانند پزشکی، استانداری، مهندسی، دبیری، ریاست، تجارت، سروانی و غیره و مشاغل پایین شامل مواردی مانند کفاشی، آشپزی، عملگی، رفتگری، پیشخدمتی، کارگری، گروهبانی، ماشین نویسی، آوازخوانی و غیره بوده است. مشاغل بالا معمولاً مستلزم نوعی استقلال طلبی، ایستادگی و مقاومت در برابر اندیشه های انحرافی و ایستادگی و مقاومت بر سر اهداف است. چنین ویژگی هایی ممکن است از طریق تعاملات والدین با فرزندان به آن ها منتقل شود و به همین دلیل در این دسته از فرزندان در عامل مقاومت در درگیری با والدین، در ایستادگی در رسیدن به اهداف و در برابر افراد قدرتمند برتری وجود داشته باشد. بدیهی است در طبقه بندی فوق مشاغل طبقه بالا، تحصیلات نیز بالا بوده است و ممکن است این عامل نیز در ترکیب با شغل در نتیجه گیری فوق تأثیر داشته است.

به طور کلی، براساس نتایج تحقیق حاضر می توان گفت که کانون کنترل مفهومی است که از عامل های مختلفی تشکیل گردیده است و در تحقیقاتی که در مورد کانون کنترل انجام می شود لازم است نقش هر یک از این عامل ها به تفکیک مورد بررسی قرار داد. شغل و تحصیلات والدین می توانند عامل های جداگانه ای از کنترل درونی را در فرزندان پرورش دهند.

23. Kishor, N. (1983) Locus of control and academic achievement ethnic discrepancies among Fijians, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 14,3, 292-308.
۲۴. خیر، محمد (۱۳۷۸) روایی و پایایی مقیاس کانون کنترل ناویکی و استریکلند کودکان در گروهی از دانش‌آموزان دوره ابتدایی راهنمایی شهر شیراز. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال ۴، شماره ۲، صص ۲۳-۴۶.
۲۵. بال، ساموئل (۱۳۷۳) انگیزش در آموزش و پرورش. مسدد، علی‌اصغر (مترجم)، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
26. Hintze, Jerry, L. (1991) SOLO statistical system power analysis. DMDP Statistical Software, Cork, Ireland.
27. Nowiki, S. & Strickland, B.R. (1973). A locus of control scale for children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 40, 1, 148-154.
۲۸. خیر، محمد (۱۳۷۶) بررسی رابطه برخی از شاخص‌های طبقه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش‌آموزان سال اول نظام جدید. *مجله علوم اجتماعی و انسانی*، ۱۲، ۲، ۲۴، صص ۷۷-۱۱۴.
29. Shaffer, D.R. (1996) *Developmental Psychology: childhood & adolescence*. Brooks/Cole Publishing Company, Fourth Edition, p.182.
17. Boss, M.W. Taylor, M.C. (1989) The relationship between locus of control and academic level and sex of secondary school students, *Contemporary Educational Psychology*, 14,315-322.
۱۸. دارابی، جعفر (۱۳۷۳) بررسی مقایسه‌ای سبک اسناد در نمونه‌ای از دانش‌آموزان روستایی و شهری و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز*.
۱۹. فاسمی فلاورجانی (۱۳۷۵) بررسی کانون کنترل در دانش‌آموزان ایرانی و رابطه آن با متغیرهای پایه تحصیلی، جنسیت، طبقه اجتماعی و پیشرفت تحصیلی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز*.
۲۰. حیدری پهلویان، احمد، محجوب، حسین، ضرابیان، محمد کاظم (۱۳۷۸) رابطه منبع کنترل درونی-بیرونی با افسردگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همسان. *اندیشه و رفتار*. سال چهارم، شماره ۴، صفحات ۳۱-۲۳.
21. Ehrenreich, John, H. (1990) Effect of social class of subjects on normative responses to T.A.T. cards, *Journal of Clinical Psychology*, 46,467-471.
22. Lefcourt, H.M. (1972) Recent developments in the study of locus of control, p.1-39 In: B.A. Maher, Editors. *Progress in experimental personality research* 6.